

بی حد و مرز

حصار ظرفیت‌های خود را در هم بشکنید

جان سی. مکسول

رضا رایان راد
سید طاهر شریعت پناهی





نویسنده: جان سی. مکسول

مترجمان: رضا رایان راد، سید طاهر شریعت پناهی

نسخه‌پرداز: کیوان دهقان پور

مدیر هنری و طراح جلد: مجید زارع

شمارگان: ۲۰۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۶۷۷-۵۳-۷

چاپ دوم: پاییز ۱۳۹۸

ناشر: آریانا قلم

نشانی: خیابان سهروردی جنوبی، ملایری پور غربی، پلاک ۳۷، واحد ۱

تلفن: ۸۸۳۴۲۹۱۰

فروشگاه اینترنتی: www.AryanaGhalam.com

رسم الخط این کتاب براساس دستور خط فارسی فرهنگستان زبان و ادب فارسی است.

همه حقوق برای گروه پژوهشی صنعتی آریانا محفوظ است.

هرگونه تقلید و استفاده از این اثر به هر شکل بدون اجازه کتبی ممنوع است.

سرشناسه: مکسول، جان سی.، ۱۹۴۷ - م. Maxwell, John C.

عنوان و نام پدیدآور: **بی‌حدوموز: حصار ظرفیت‌های خود را در هم بشکنید**

نویسنده جان سی مکسول؛ مترجمان رضا رایان راد، سید طاهر شریعت پناهی.

مشخصات نشر: تهران: آریانا قلم، ۱۳۹۷.

مشخصات ظاهری: ۳۴۴ ص: مصور، جدول، نمودار.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۶۷۷-۵۳-۷

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

یادداشت: عنوان اصلی: **No limits: blow the cap off your capacity, [2017]**.

یادداشت: کتابنامه.

موضوع: خودسازی / Self-actualization Psychology

موضوع: ابراز وجود / Self-realization

موضوع: عملکرد / Performance

شناسه افزوده: رایان راد، رضا، ۱۳۵۰ - مترجم

شناسه افزوده: شریعت پناهی، سید طاهر، ۱۳۵۱ -، مترجم

رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۷ الف۱۶م۹/خ۶۳۷ BF

رده‌بندی دیویی: ۱۵۸/۱

شماره کتابشناسی ملی: ۵۵۲۲۸۳۹

< بی حد و مرز >

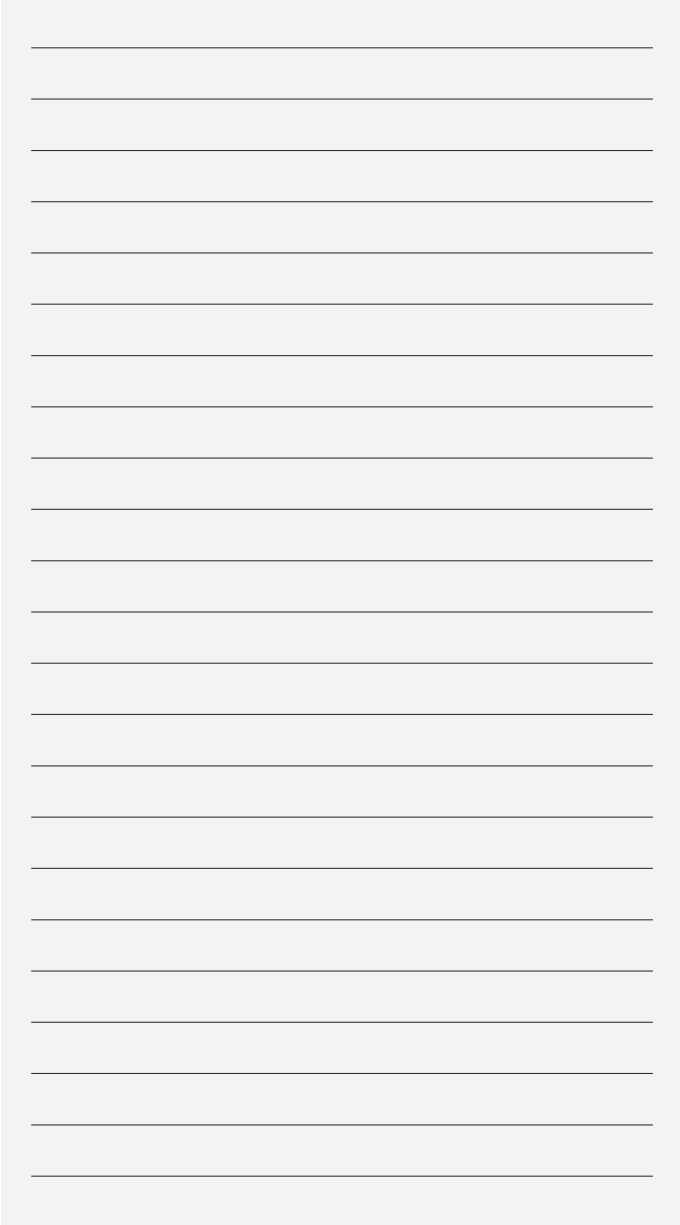
حصار ظرفیت های خود را در هم بشکنید

جان سی. مکسول

رضا رایان راد

سید طاهر شریعت پناهی





مردم اغلب به من می‌گویند اینکه ورجین خارج از چارچوب می‌اندیشد
عالی است. وقتی به آنها می‌گویم «درواقع ما این کار را نمی‌کنیم! ما اصلاً
اجازه نمی‌دهیم چارچوبی ساخته شود» آنها حقیقتاً متعجب می‌شوند.

نمی‌توانید هم دوستدار چارچوب‌ها باشید و هم دوستدار خلاقیت.

ریچارد برانسون < بنیان‌گذار ورجین گروپ

< سخن ناشر >

سمیه محمدی < مدیرعامل انتشارات آریانا قلم

توسعه فردی ازجمله موضوعاتی است که در انتشارات آریانا قلم به آن توجه کرده‌ایم، زیرا معتقدیم با توانمند شدن افراد در زندگی فردی و حرفه‌ای‌شان رضایت و رشدی حاصل می‌شود که نتیجه آن در سازمان و به تبع آن در جامعه به وضوح دیده خواهد شد. همان‌طور که نویسندۀ کتاب بی‌حدومرز بیان می‌کند، اگر افراد خود را به درستی بشناسند، در مسیر درست زندگی قرار گیرند، خودآگاهی و توانایی‌هایشان را پرورش دهند و انتخاب‌های درستی داشته باشند، می‌توانند ظرفیت‌های بالقوه خود را با تلاش کردن و انجام دادن درست کارها بالفعل کنند و به شکوفایی برسند.

به همین منظور در پی انتشار کتاب‌های مدل کسب‌وکار شما و هنر دستیابی، کتاب بی‌حدومرز را منتشر کرده‌ایم که با استقبال خوانندگان در کمتر از یک سال به چاپ دوم رسید. با انتشار کتاب‌های کشف شمال حقیقی اثر بیل جورج و خودتراشی اثر مارشال گلدسمیت این مجموعه را کامل‌تر خواهیم کرد. امیدواریم خوانندگان خوبمان نیز بتوانند از این مجموعه کتاب‌ها نهایت بهره را در زندگی فردی و حرفه‌ای‌شان ببرند.

◀ پیشگفتار مترجمان ▶

رضا رایان راد، سید طاهر شریعت پناهی

◀ **کتاب:** بی حدومرز سومین کتاب از یک دوره خودآموز مدیریت کسب و کار است، که پیش از این، نوآفرینی با موضوع خلاقیت و نوآوری در کسب و کار و بازیکن تیمی ایدئال با تأکید روی تیم سازی را انتشارات آریانا قلم به خوانندگان فارسی زبان عرضه کرده است. این کتاب با یک هدف به نگارش درآمده است: توانمندسازی فردی با محقق ساختن ظرفیت وجودی خود. نویسنده برای دستیابی به این آرمان فرمول عملی ای به دست داده است: $\text{ظرفیت} = \text{آگاهی} + \text{توانایی} + \text{انتخاب‌ها}$ براین اساس، کتاب با شناسایی و معرفی هفده توانایی و تأکید بر این نکته که فقط با آگاهی همه جانبه از این توانایی های فردی است که دامنه انتخاب های ما گسترده تر می شود و آنگاه می توانیم به کمال ظرفیت وجودی خویش دست یابیم راهی نوین در توانمندسازی افراد می گشاید. بی حدومرز برای نیل به این هدف از مثال های فراوان و کاربردی بهره می برد. این مثال ها خواندن کتاب را جذاب تر و مفیدتر ساخته است.

◀ **نویسنده:** جان سی. مکسول متولد سال ۱۹۴۷ در میشیگان آمریکاست. سال ۲۰۱۴، او به انتخاب انجمن مدیریت آمریکا به عنوان رهبر کسب و کار شماره یک جهان و نیز به انتخاب مجله بیزنس اینسایدر به عنوان تأثیرگذارترین متخصص رهبری در سطح جهانی برگزیده شده است. همچنین شش سال متوالی، مکسول به انتخاب سایت متخصصان رهبری بهترین معلم رهبری معرفی شده است.

مؤسسات آموزشی او تاکنون بیش از پنج میلیون نفر را در سطح جهان، از جمله کشورهای فقیر و درحال توسعه، آموزش رهبری داده‌اند. علاوه بر این، کتاب‌های متعدد وی همچون ۲۱ قانون انکارناپذیر رهبری، پرورش رهبر درون و ۲۱ صفت بایسته رهبر نزدیک به سی میلیون نسخه به فروش رفته است. مکسول همچنین یکی از ده نویسنده برتر و عضو تالار افتخارات سایت آمازون است.

< **خواننده:** چهار گروه مخاطبان این کتاب‌اند: گروه نخست دانش‌آموزان ارزشمند دبیرستان‌اند که می‌خواهند با شناسایی و تقویت ظرفیت‌های وجودی‌شان آینده روشنی برای خود رقم بزنند. اینان از آن روی که در ابتدای راه زندگی‌اند فرصت بیشتری در اختیار دارند تا با مطالعه بی‌حدومرز به کمال ظرفیت خود دست یابند. برای این گروه زندگی در عبور از کنکور دانشگاه‌ها خلاصه نمی‌شود.

گروه دوم دانشجویان عزیزی‌اند که دریافته‌اند آموزش‌های دانشگاهی تناسبی با نیازهای بازار کار ندارد. از همین روی، این بزرگواران در تلاش‌اند تا با تقویت ظرفیت‌های بی‌حدومرز خود، جایگاهی در بازار کار داخلی یا جهانی بیابند. این کتاب می‌تواند روشنی‌بخش راه ایشان باشد.

سومین گروه آن گرامیانی‌اند که باور دارند در میانه عمر از خودشناسی غفلت کرده‌اند و ظرفیت‌های بی‌حدومرز وجودشان را نشناخته‌اند و نتوانسته‌اند به آرزوهای خود جامه عمل بپوشند. این گروه می‌توانند با بهره‌گیری از آموزه‌های بی‌حدومرز و دو کتاب نوآفرینی نوشته آدام گرانت و بازیکن تیمی ایدئال نوشته پاتریک لنچونی گام‌هایی استوار در نیل به این هدف بردارند. برای آنان در دستیابی به اهدافشان آرزوی موفقیت می‌کنیم.

چهارمین گروه از مخاطبان کتاب رهبران و مدیرانی‌اند که باور دارند برای توسعه کسب‌وکار یا سازمانشان بهترین رویکرد بهینه‌سازی عملکرد و توانمندتر کردن کارکنان و بهره‌گیری از ظرفیت‌های «بی‌حدومرز» ایشان است. این عزیزان می‌توانند با اهدای کتاب به کارکنان و تشویق ایشان به مطالعه موجب تعالی کارکنان، کسب‌وکار و سازمان خویش شوند.

< **سپاسگزاری:** کتاب بی‌حدومرز از ایده تا محصول نهایی نتیجه همکاری گروه کثیری است که نام بردن از همه این عزیزان در این مجال امکان‌پذیر نیست. باوجوداین، از تمامی بزرگوارانی که ما را در تولید این محصول فرهنگی یاری کردند و آن عزیزانی که کتاب را به دست خوانندگان گرامی رساندند و همچنین خوانندگانی که همت کردند و با خواندن کتاب گامی در راه توسعه مهارت‌های فردی خویش برداشتند سپاسگزاری می‌کنیم.

< **اهدانامه:** پیشکش به مردمان ایران زمین و افغانستان در هر کجای این کره خاکی که زندگی می‌کنند، آنان که هزاران سال در کنار هم و با نام هم‌وطن زیستند و سربلندی و افتخار آفریدند، اما در دوصد سال گذشته از سرب‌تدبیری حاکمان، کوتاهی سیاست‌پیشگان و فرصت‌طلبی بیگانگان، مرزهای جغرافیایی ما بین ایشان جدایی افکنده است و به امید پیوند دوباره علمی، صنعتی و اقتصادی ایران و افغانستان از امروز تا همیشه.

و برای پریسا و حدیث.

یک < آگاهی > حصار ظرفیت های خود را درهم بشکنید < ۱۷

می دانید چه چیزی محدودتان می کند؟ ۲۵

حصارهایی که زندگی تان را محدود می کند در هم بشکنید ۴۱

دو < توانایی > ظرفیت هایی را که دارید بالنده کنید < ۵۷

ظرفیت انرژی / توانایی جسمانی شما برای به پیش رفتن ۶۱

ظرفیت عاطفی / توانایی شما برای مدیریت عواطفتان ۷۷

ظرفیت تفکر / توانایی شما برای تفکر اثربخش ۹۵

ظرفیت ارتباطی / توانایی شما برای ایجاد رابطه با دیگران ۱۱۳

ظرفیت خلاق / توانایی شما برای دیدن گزینه ها و یافتن پاسخ ها ۱۳۳

ظرفیت تولید / توانایی شما برای رسیدن به نتیجه ۱۵۵

ظرفیت رهبری / توانایی شما برای برانگیختن ورهبری دیگران ۱۷۵

سه < انتخاب ها > کارهایی را انجام دهید که ظرفیتتان را به حداکثر برساند < ۱۹۵

فهرست <

- ظرفیت مسئولیت / انتخاب شما برای برعهده گرفتن مسئولیت زندگی تان ۲۰۱
- ظرفیت شخصیت / توانایی شما براساس ارزش های نیک ۲۱۵
- ظرفیت برکت / انتخاب شما در باوره اینکه بیش از حد کفایت در اختیار دارید ... ۲۲۷
- ظرفیت انضباط / انتخاب شما برای تمرکز بر اکنون و به پایان رساندن کار ۲۳۹
- ظرفیت هدفمندی / انتخاب شما برای منزلت خواهی هدفمند ۲۵۳
- ظرفیت نگرش / انتخاب شما برای مثبت اندیشی صرف نظرا از شرایط موجود ۲۶۷
- ظرفیت ریسک پذیری / انتخاب شما برای خروج از محدوده امتنان ۲۸۱
- ظرفیت معنوی / انتخاب شما برای تقویت ایمانتان ۲۹۵
- ظرفیت رشد / انتخاب شما برای تمرکز بر اینکه تا کجا می توانید بروید ۳۰۷
- ظرفیت مشارکت / انتخاب شما برای همکاری با دیگران ۳۲۳
-
- نتیجه گیری < زندگی بی حدود مرز شما < ۳۳۵
- پی نوشت < ۳۳۹
- منابع < ۳۴۳



«از خود نپرسید
دنیا به چه چیزی
نیاز دارد. بپرسید
چه چیزی به
شما جان دوباره
می‌بخشد و بعد
بروید و آن کار را
انجام دهید، زیرا
چیزی که دنیا
به آن نیاز دارد
آدم‌هایی است که
جان دوباره گرفته
باشند.»

هاوارد تورمن

< آگاهی >

▶ حصار ظرفیت‌های خود را در هم بشکنید

خویشتن را بشناس.

سقراط

به اعتقاد من خودشناسی نایاب‌ترین ویژگی در انسان است.

الیزابت ادواردز

اشتیاق زیادی برای این کتاب دارم، چون به شما عشق و علاقه زیادی دارم! به مدت پنجاه سال کار کرده‌ام تا زندگی‌ام را بهبود بخشم و به بهبود زندگی دیگران کمک کنم. هیچ چیز به اندازه کمک کردن به رشد و بهبود دیگران برایم شادی به همراه نمی‌آورد. این کتاب را به ویژه برای برانگیختن شما و کمک به افزایش ظرفیتتان نوشته‌ام.

چطور به فکر نوشتن این کتاب رسیدم؟ ایده آن زمانی به ذهنم رسید که داشتم از یکی از کارهای مورد علاقه‌ام لذت می‌بردم: گفت‌وگویی لذت بخش هنگام صرف غذا با دوستان. درحالی‌که داشتیم صحبت می‌کردیم، یکی از دوستان شروع کرد به بیان اهمیت توان بالقوه و اینکه افراد چگونه به آن دست پیدا می‌کنند. این منجر به بحث خوبی شد که دو ساعت طول کشید. درحالی‌که آماده می‌شدیم از سر میز بلند شویم، کسی گفت، «من هیچ‌وقت کتابی درباره ظرفیت فردی و شیوه دست یافتن به آن نخوانده‌ام.» بقیه هم چنین کتابی نخوانده بودند.

آن گفت‌وگو حقیقتاً مرا برانگیخت؛ تا دو سال هم به آن فکر می‌کردم. بعد از مراجعه ذهنی چندباره به موضوع ظرفیت فردی، شروع به سؤال کردن و شنیدن

حرف دیگران و آموختن درباره آن کردم. سرانجام این منجر به خلق چالش ظرفیت فردی شد: اگر بر آگاهی‌تان بیفزایید، توانایی‌هایتان را پرورش دهید و به انتخاب‌های درستی دست بزنید، می‌توانید به ظرفیت فردی خود دست یابید. به عبارت دیگر:

آگاهی + توانایی + انتخاب‌ها = ظرفیت

این چالشی است که در این کتاب به شما عرضه می‌کنم. اگر مایل به پذیرش این چالش و تبعیت از فرایندی که مطرح می‌کنم باشید، زندگی‌تان تغییر خواهد کرد! چالش ظرفیت فردی با آگاهی آغاز می‌شود. آگاه شدن اولین گام بزرگی بود که برای در هم شکستن حصار ظرفیت‌های خود برداشتم. و این اتفاق در اوایل زندگی حرفه‌ای‌ام رخ داد. الگوی کشیش‌ها در آن زمان الگوی شبانی بود که از گله مراقبت می‌کند. مسئله مهم حفظ و مراقبت از رمه بود. این کار شامل مقدار زیادی پند و اندرز بود. بنابراین فکر می‌کردم این الگویی است که قرار است از آن پیروی کنم.

اما در آن زمان کتابی خواندم با عنوان کلیساهای آمریکا که سریع‌ترین رشد را دارند نوشته ال‌مِرتاونز. این کتاب درباره دسترسی به مخاطبان بیشتر و شیوه رهبری ممتاز کلیسا بود. نمی‌توانستم آن را زمین بگذارم. داستان‌های بسیار الهام‌بخش بود. بعد از خواندن کتاب، می‌خواستم از همه کلیساهایی که در کتاب ذکر شده بود بازدید کنم و با کشیش‌هایشان ملاقات کنم. اما چطور می‌توانستم این کار را بکنم؟ این کشیش‌ها مرا نمی‌شناختند. و چرا باید زمانی را صرف ملاقات با من می‌کردند؟

بعد ایده‌ای به ذهنم رسید، اینکه با آنها تماس بگیرم و پیشنهاد کنم در ازای سی دقیقه از وقتشان ۱۰۰ دلار به ایشان بپردازم. این قضیه مربوط به سال ۱۹۷۱ است، که درآمدم در کل سال ۴,۲۰۰ دلار بود. اما بی‌صبرانه می‌خواستم بفهمم چه چیزی باعث می‌شود این کشیش‌ها تا این اندازه موفق باشند. وقتی دو نفر از ده کشیش به درخواستم پاسخ مثبت دادند سراز پا نمی‌شناختم.

به محض اینکه خبردار شدم که می‌توانم با این رهبران دیدار کنم، شروع به

نصیحت کردن

به افراد کمک

می‌کند از

ضعف‌هایشان

عبور کنند.

تجهیز کردن

به آنها کمک

می‌کند روی نقاط

قوتشان کار کنند.

یادداشت کردن پرسش‌هایی کردم که قرار بود از آنها بپرسم. پرسش‌های زیادی به فکرم رسید. پنج صفحه‌ی پر! وقتی مقابل این رهبران نشستیم و آن پرسش‌ها را با شتاب تمام از آنها می‌پرسیدم، بی‌قرار شنیدن پاسخ‌ها بودم. معلوم است که نتوانستم همه پرسش‌هایی را که نوشته بودم مطرح کنم، اما در زندگی شخصی و حرفه‌ای‌ام حقیقتاً با تحولی مواجه شدم. بزرگ‌ترین کشفم این بود که این کشیش‌ها هیچ وقتی را صرف اندرز دادن به مردم نمی‌کنند. در عوض، همه وقتشان را صرف تجهیز کردن افراد می‌کردند.

در ابتدا، متوجه معنی این حرف نشدم. مجبور شدم از آنها بخواهم برایم توضیح دهند. نصیحت کردن به افراد کمک می‌کند از ضعف‌هایشان عبور کنند. تجهیز کردن به آنها کمک می‌کند روی نقاط قوتشان کار کنند. مسئله به تدریج برایم روشن می‌شد!

سپس آنها توضیح دادند که وقتی افراد روی نقاط قوتشان کار می‌کنند، آمادگی بیشتری برای رسیدن به توان بالقوه خود دارند تا زمانی که روی نقاط ضعفشان کار می‌کنند. در این مرحله بود که مسئله برایم روشن شد. این رهبران شبانانی نبودند که صرفاً راضی به مراقبت از ربه باشند. آنها گاوچران بودند. چشم‌انداز داشتند. روحیه پیش‌گامانی را داشتند که در مرزهای دوردست چیزی می‌آفرینند. آنها افراد را می‌ساختند و پرورش می‌دادند و دعوتشان می‌کردند که جزوی از کلبه بزرگ‌تر از خود باشند. و داشتند دست در دست هم کلیسایشان را بلند می‌کردند و پیامشان را به افراد بیشتری می‌رساندند و منشأ تحول می‌شدند.

آن روز اولین روزی بود که متوجه شدم برای رسیدن به ظرفیت آگاهی تا چه اندازه اهمیت دارد. تنها شیوه‌ای که از طریق آن می‌توانستم به افرادی که رهبری می‌کردم کمک کنم توفیق بیشتری در زندگی‌شان به دست آورند این بود که به ایشان کمک کنم بیش از نقاط ضعف بر نقاط قوتشان تمرکز کنند. همچنین

– لطفاً خوب دقت کنید۔ تنها راهی که خودم می‌توانستم به ظرفیت‌م در نقش یک فرد و رهبر دست یابم این بود که تمرین کنم و نقاط قوت خودم را توسعه دهم. این مسئله شیوه انجام دادن همه کارها را برایم تغییر داد و خیلی زود کشف کردم که توانایی‌ام در زمینه تجهیز کردن بسیار بیشتر از توانایی‌ام در زمینه اندرز دادن است.

قبل از کشفم درباره آگاهی، خود را شبانی می‌دیدم که مراقب نیازهای مردمش است. بعد از این کشف، به تدریج نگاه متفاوتی به خودم و نقشی که داشتم پیدا کردم. گاوچرانی شدم که اعضای کلیسایش را رهبری می‌کند و بالندگی می‌بخشد. تا سال‌ها این داستان را در همایش‌ها نقل می‌کردم. اغلب طی پرسش و پاسخ‌ها کسی این سؤال را می‌کرد، «مهم‌ترین نکته‌ای که از گفت‌وگو با آن دو رهبر دریافتید چه بود؟» پاسخ من «آگاهی» است. اغلب از خود پرسیده‌ام، اگر با آن دو رهبر دیدار نکرده بودم، تا کی به جای تجهیز کردن افراد آنها را نصیحت می‌کردم؟ پاسخش را نمی‌دانم. اما این چیزی است که می‌دانم: همه ما برای آگاه شدن از اینکه چطور می‌توانیم برای رسیدن به ظرفیت‌مان افراد بهتری شویم به کمک شخص دیگری نیاز داریم.

می‌خواهم آن کسی باشم که به شما کمک می‌کند خودآگاه‌تر شوید. این مسئله‌ای است که بخش اول این کتاب به آن می‌پردازد. احتمالاً این سخن معروف را شنیده‌اید که «اگر همیشه همان کاری را انجام دهم که انجام می‌دادم، همیشه همان چیزی را به دست می‌آورم که به دست می‌آوردم». می‌خواهم به شما کمک کنم کار جدیدی انجام دهید - و به جای جدیدی برسید. در آغاز این سفر می‌خواهم دو ایده را با شما مطرح کنم:

- **تغییر همیشه نباید تغییری بنیادین باشد تا اثر بخشد.** نصیحت کردن افراد و مجهز کردن نشان شباهت‌هایی دارند. هر دو مورد مستلزم اهمیت دادن به فردی دیگر و صرف وقت با او برای راهنمایی و اندرز است. تنها کاری که باید می‌کردم این بود که تمرکز را از نقاط ضعف آنها متوجه نقاط قوتشان کنم. در حالی که این کتاب را می‌خوانید و به ویژه زمانی که این بخش مربوط

به آگاهی را مطالعه می‌کنید، حواستان باشد کجا باید تمرکزتان را تغییر دهید تا از ظرفیتتان آگاه‌تر شوید.

- **تغییر برایتان ضرورت دارد تا به ظرفیت خود دست یابید.** درحالی‌که دو بخش دیگر را می‌خوانید، با تأکید بیشتری بر تغییر مواجه می‌شوید. در بخش دوم، که به توانایی می‌پردازد، از شما خواهیم خواست روی چیزهایی کار کنید که شاید نقاط قوت طبیعی‌تان نباشد. این کار را دشوار خواهید یافت. رشد در حوزه‌های مهارتی، در صورتی‌که از مهارت‌های طبیعی فرد نباشد، غالباً کند و اندک است. ایرادی ندارد. کوچک‌ترین تغییر مثبتی مفید است. این تغییرات ظرفیتتان را افزایش می‌دهد. اما وقتی به بخش سه کتاب برسید، که به انتخاب‌ها می‌پردازد، آن را آسان‌تر خواهید یافت. در مسائل مربوط به انتخاب، تغییراتتان با سرعت بسیار بیشتری دست‌یافتنی است. اگر مایلید ظرفیتتان را افزایش دهید و به توان بالقوه خود برسید، همه این تغییرات، خواه دشوار و خواه آسان، ضروری‌اند. حواستان را شش‌دانگ جمع کنید. سفر هیجان‌انگیزی خواهد بود. توسعه آگاهی به شما امکان خواهد داد تغییراتی را تشخیص دهید که به شما کمک خواهد کرد حصارهای ظرفیتتان را درهم بشکنید. امید من این است که وقتی کتاب را به پایان بردید، ظرفیتتان خیلی بیشتر از چیزی باشد که تصورش را می‌کردید و تاحدزیادی در مسیر خویش به سوی زندگی‌ای بی‌حدومرز باشید. بیایید باهم به این سفر برویم.

ادامه دارد...

برای کسب اطلاعات بیشتر درباره کتاب **بی حدومرز** و یا سفارش نسخه کامل این کتاب به وبسایت انتشارات آریانا قلم مراجعه کنید.

www.AryanaGhalam.com

هیچ رشدی در
محدوده امن شما
و هیچ راحتی ای در
محدوده رشد شما
وجود ندارد.



گروه پژوهشی صنعتی آریانا
انتشارات آریانا قلم



97860074677537